خراسان رضوی

صفحه آخر

پنج‌شنبه
۲۲ آذر ۱۳۹۷
۵ ربیع الثانی ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۰۱۵

حکمت روز

امام علی (ع)

هر کس به مقدار کفایت، قناعت کند، آسایش می یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می کند.
کافی(ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۱۹ - نهج البلاغه(صبحی صالح) ص ۵۴۰، حکمت ۳۷۱

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
ای حجت را یاد و انس را یادگار، خود حاضری ما را جُستن چه کار ؟!
الهی!
ای مهربان فریادرس، عزیز آن کس که بها تو یک نفس
ای یافته و یافتنی از مُرید چه نشان دهند جُز بی خویشتنی
همه خلق را محنت از دوری است و مُرید را از نزدیکی
همه را تشنگی از نایافت آب و مُرید را از سیرابی

با شاعران

بریده کتاب

هیچ وقت نمی شنوید ورزشکاری در حادثه ای فجیع حس بویایی اش را از دست بدهد. اگر کائنات تصمیم بگیرد در سی دردناک به ما انسان ها بدهد، که البته این درس هم به هیچ درد زندگی آینده مان نخورد، مثل روز روشن است که ورزشکار باید پایش را از دست بدهد، فیلسوف عقلش، نقاش چشمش، آهنگ ساز گوشش و آشپز زبانش!
در س من؟! من آزادی ام را از دست دادم.

جزء از کل- نویسنده: استیو تولتز
مترجم: پیمان خاکسار

حکایت

زاهدی مهمان پادشاه شد، وقتی که غذا آوردند، کمتر از معمول و عادت خود از آن خورد و هنگامی که مشغول نماز شد، بیش از معمول و عادت خود نمازش را به درازا کشید تا بر گمان نیکی شاه به او بیفزاید. هنگامی که به خانه اش بازگشت، سفره غذا خواست تا غذا بخورد. پسرش که جوانی هوشمند بود از روی تیزهوشی به ریاکاری پدر پی برد و به او رو کرد و گفت: مگر در نزد شاه غذا نخوردی؟ ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی / کاین ره که تو می روی به ترکستان است(۱)
زاهد پاسخ داد: در حضور شاه چیزی نخوردم که روزی به کار آید. (یعنی همین کم خوری من موجب موقعیت من نزد شاه می شود و روزی از همین موقعیت بهره می گیرم.) پسر به او گفت: پس نمازت را نیز قضا کن که نمازی نخواندی تا به کار آید؟
ای هنرها گرفته بر کف دست / عیب ها بر گرفته زیر بغل
تا چه خواهی گرفتن ای مغرور / روز درماندگی به سیم دغل (۲)

۱_ ترکستان: در این شعر به معنی بیراهه است.
۲_ مفهوم شعر: ای که اندکی از خوبی و هنر خود را آشکار، ولی عیب های بسیار خود را پنهان کردی، ای مغرور و نادان! نمی دانم با این وضعی که داری در روز درماندگی، با نقره تقلبی چه خواهی خرید؟! به یقین در آن روز بیچاره ای تهیدست خواهی بود.

حکایت های گلستان سعدی به قلم روان- محمد محمدی اشتهاردی

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

حسین طیبی فوتسالیست خراسانی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «... خدا رو شکر می کنم واسه دومین سال متوالی نامزد بهترین فوتسالیست جهان میشم، جا داره از تک تک هم تیمی هام و مربی هام در تیم ملی و باشگاه غیرت و مس تشکر کنم، چون تو این راه خیلی منو کمک کردن. اینم بگم که این افتخار واسه ایرانه، من همیشه تلاش کردم نماینده خوبی واسه ایران باشم، خیلی ممنونم از لطفی که به من دارین، تو این چند روز خیلی انرژی مثبت دادین. بازم خدا رو شکر می کنم. من تو این فوتسال فقط از خدا کمک می خوام و بس و همیشه تو کلم به خودش بوده نه بنده‌اش و سخت تلاش می کنم...»

ستاره اسکندری با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود، تحلیلی از نقشش در فیلم سینمایی «سرو زیر آب» ارائه داد. ستاره اسکندری نوشته است: «ماهرو... نمونه هزاران زنی است که در سکوت نظاره کرده اند رفتن همسرانشان، فرزندانشان، پدرانشان را.. تا ایران زمین بر جای بماند.. نظاره کرده اند و بغضشان در گلو ماند تا همیشه تاریخ... کسی آن ها را به یاد نمی آورد چون صبور بوده اند و بی ادعا عاشق... کسی آن ها را به یاد نمی آورد، شما نگاهشان کنید به یاد بیاورید شان. «سرو زیر آب» حکایت عاشقانِ ساکت است...»

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

روایتی از آذرماه پُرحادثه مشهد که به‌واقعه‌ای خونین در بیست و سوم این ماه منجر شد:

موجی که دریا شد

نیمه دوم سال ۱۳۵۷، اعتراضات عمومی علیه حکومت پهلوی به اوج خود رسید و آتشی که زیر خاکستر بود حالا شعله می کشید و خیابان ها هر روز از موج مردمانی پُر می شد که مخالفت خود را با رژیم پهلوی فریاد می زدند. موج اعتصابات کارمندی و همبستگی در اغلب ادارات با انقلاب به شرایط مذکور افزون شد. مرور حوادث آذرماه ۱۳۵۷ نشان می دهد حکومت پهلوی در صدد بود تا با هر گونه راهپیمایی برخورد کند و به همین واسطه، دامنه سرکوب ها حتی به مراکز درمانی از جمله بیمارستان ها نیز کشیده شد. بسیاری بر این باورند که حوادث این ایام، به مثابه موجی بود که سیلی شد و به دریا ریخت و بسیاری از معادلات را دستخوش تغییر کرد.

آذرماه پُرحادثه مشهد

اما آذرماه ۵۷ مشهد، کانون اتفاقات زیادی بود. اتفاقاتی که از ذهن تاریخ زدوده نخواهد شد. مروری بر تقویم آن روزها نشان می دهد که در هفتم آذرماه جمع زیادی از مردم مشهد به همراه چند تن از روحانیون مبارز از جمله عبدالکریم هاشمی نژاد برای تظاهرات و همبستگی با انقلابیون به قوچان عزیمت کردند، در این روز درگیری بین سلطنت طلبان و انقلابیون رخ داد. به همین واسطه، روز بعد از این ماجرا تجمعی در برابر بیت آیت ا... شیرازی به منظور اعتراض به حوادث قوچان شکل گرفت.[۱] تحصن طبقات مختلف مردم در مقابل دادگستری خراسان در اعتراض به حکومت نظامی اتفاق بعدی این روزها بود. اجتماع کنندگان در آن روز به تبعیت از فرمان امام خمینی (ره) از سربازان خواستند تا به مردم بپیوندند. همچنین از نیمه های آذرماه، فریادا... اکبر بر پشت بام های شهر مشهد شنیده می شد. تقریبا همه روزه در مقابل بیت علما تجمعاتی در اعتراض به حکومت پهلوی انجام و موج آن در قالب راهپیمایی به خیابان ها کشیده می شد. در روز ۱۹ آذر ماه ۵۷ که مقارن با روز تاسوعا بود نیز راهپیمایی در مقابل مدرسه نواب با شعار «مرگ بر شاه» آغاز شد و با سخنرانی آیت ا... طبسی و قرائت قطعنامه علیه حکومت پهلوی ادامه یافت. چماق دارها که توسط حکومت هدایت می شدند به بیمارستان ۶ بهمن یا ۱۷ شهریور فعلی حمله و کارکنان آن جا را تهدید کردند که این موضوع موجب اعتصاب ۷۲ ساعته پزشکان شد. شب عاشورا، مردم بار دیگر به خیابان ها ریختند و این بار مجسمه محمدرضا پهلوی را به آتش کشیدند. با نزدیک شدن به روزهای انقلاب، میدانی که امروز به نام «شهدا» می شناسیم به صحنه تظاهرات و اتفاقاتی سرنوشت ساز تبدیل شد.

یک سخنرانی مهم

در ۱۹ آذر ۱۳۵۷ طبقات مختلف مردم بعد از تجمع در منازل آیت ا... قمی، آیت ا... شیرازی، سید کاظم مرعشی و مدرسه نواب به طرف حرم مطهر حرکت کردند و به سه گروه تقسیم شدند. تعداد راهپیمایان ۳۰۰ هزار نفر تخمین زده شد و راهپیمایی تا ساعت ۱۴:۳۰ ادامه یافت. در اسناد تاریخی درباره اتفاقات بعد از آن آمده است: «در این ساعت عباس واعظ طبسی ضمن سخنرانی درباره حکومت اسلامی بیان کرد: بروید صحن حرم را اشغال کنید و خطبه امشب را به نام خمینی بخوانید عده‌ای از مردم به طرف حرم حرکت کردند و بقیه متفرق شدند».[۲] این سخنرانی گامی مهم در موفقیت انقلابیون و به دست گرفتن اوضاع در حرم مطهر حضرت رضا(ع) بود.

آن لشکر شکست خورده

در ۲۱ و ۲۲ آذر ماه عده ای که به نام چماقدارها شناخته می شدند، در دفاع از حکومت پهلوی راهپیمایی و به خودروهایی که تصویر امام (ره) را داشتند حمله کردند و شیشه خودروها را شکستند.[۳] ماجرای چماقدارها در کتاب عکاس لشکر خراسان که از نزدیک اتفاقات آن روزها را دیده، این طور منعکس شده است: «شنیدیم که عده ای چماق به دست در خیابان عدل خمینی فعلی به راه افتادند و شعار جاوید شاه سر دادند. من به همراه خانواده و یکی از بستگانم سوار خودرو شدیم و به آن جا رفتیم. نزدیک فلکه عدل خمینی که رسیدیم، دیدیم که جماعتی بی نظم مانند یک لشکر شکست خورده در حرکتند. جمعیت آن ها حدود ۱۲۰ نفر بود و در میان شان چند خانم هم چادر به کمرشان گره زده و با مردان همراه بودند. یک دستگاه تانک هم به عنوان پشتیبان، پشت سرشان در حرکت بود. آن ها وقتی به خودرو ما رسیدند، جلو ما را گرفتند و گفتند: بگویید جاوید شاه...[۴]»

به روایت یک شاهد عینی

یکی از وقایع تلخ در آذرماه ۱۳۵۷ حمله به بخش اطفال بیمارستان امام رضا(ع) فعلی توسط عمال پهلوی بود. به دنبال اعلام همبستگی پزشکان و کارکنان بیمارستان، آن ها پس از شکستن در بیمارستان و شیشه اتومبیل ها، به پزشکان و کارکنان بیمارستان حمله کردند. همچنین با یورش به بخش اطفال موجب کشته شدن کودک ۹ ماهه ای شدند. جزئیات حادثه را سید اسماعیل آموزگار یکی از روزنامه نگاران آن ایام که خود از شاهدان این وقایع بوده، چنین نوشته است: «از ساعت ۹ روز ۲۳ آذر ۵۷ یک سروان توپخانه بدون اجازه فرمانداری نظامی حمله را طراحی کرده بود. سربازان و درجه داران، پلیس و چماق به دست ها را به طرف بیمارستان روانه می کند و خود با چند کامیون سرباز و توپ و تانک و زره پوش در پشت سر آن ها میدان مقابل بیمارستان را اشغال و راه های ورود به میدان را با وسایل سنگین نظامی سد معبر می کنند که عبور را برای مردم عادی چه سواره و چه پیاده غیرممکن می سازند. ابتدا چماق به دست های حمایت شده وارد بیمارستان می شوند و در مرحله اول به بخش اطفال حمله می کنند. با پرتاپ سنگ و ضربه های چماق در و پنجره بخش اطفال را می شکنند و سپس به بخش جراحی عمومی حمله ور می شوند و سربازان به بهانه متفرق ساختن گروه حمله کننده، ولی در واقع به حمایت از آن ها بیمارستان را زیر رگبار گلوله های سنگین از روی مسلسل های نصب شده روی تانک ها می گیرند و سربازان هم با تفنگ به داخل بخش ها می روند و مسلسل را به روی طبیب و پرستار و بیمار می گشایند. این صحنه را ابتدا تا انتها خود ناظر و شاهد بودم. در این گیر و دار که بیماران وحشت زده به بخش های دیگر منتقل می شدند و به ویژه پرستاران فداکار زیر رگبار گلوله ها اطفال را به نقاط امن تری انتقال می دادند، منظره بسیار تاسف آوری را ایجاد کرد. مردم که از حادثه بیمارستان خبردار شدند از چهار سو به طرف بیمارستان روانه شدند و از نرده های آهنی وارد باغ بیمارستان شدند و در های فرعی بیمارستان را از طرف خیابان ابن سینا و آموزشگاه جرجانی و خیابان کوهسنگی و خیابان فرعی جنب نان رضوی و خیابان بهار گشودند. چندین هزار مردم که سلاح آن ها فقط چوب بود برای حفاظت جان بیماران و مقابله با سربازان مهاجم وارد محوطه بیمارستان شدند و عده ای از علما و جمعی از روحانیون از جناح میدان مقابل بیمارستان صفوف سربازان را شکافتند و در این هنگام بود که به فرمان فرماندار نظامی قوای نظامی عقب نشستند و چماق به دست ها فرار کردند.[۵]»

تحصن ۱۳ روزه

بازتاب این فاجعه در مشهد موجب شد تا سیل مردم به همراه علما و روحانیون مشهد به سوی بیمارستان گسیل شوند و تحصن کنند.
ماجرای ۲۳ آذر و نحوه ایجاد تحصن در بیمارستان را مولف کتاب «شرح اسم» بر مبنای خاطرات مقام معظم رهبری چنین نوشته است: «روز ۲۳ آذر مقارن با سیزدهم ماه محرم در منزل آیت ا... قمی مراسم عزاداری برپا بود که خبر حمله به بیمارستان داده می شود. همراه با واعظ طبسی جمع زیادی از مردم از کوچه و خیابان ها خود را به بیمارستان می رسانند و پس از ورود به بیمارستان تصمیم به تحصن می گیرند. به ذهنم خطور کرد تحصن کنیم. نشستم و اعلامیه ای نوشتم. نوشتم که روحانیان امضاکننده تا تغییر فرمانده نظامی استان در بیمارستان متحصن خواهند بود. در این اطلاعیه آمده است: روز پنج شنبه سیزدهم محرم یورش جنایتکارانه ماموران و مزدوران در محوطه بیمارستان شاهرضا(امام رضا(ع) فعلی) به شکل فجیع و شرم انگیز انجام یافت... [۶]» با وقوع این حادثه، سید عبدا... شیرازی طی صدور اعلامیه ای در ۲۴ آذر ۵۷ برابر با ۱۴ محرم ۱۳۹۹ ه.ق حمله به بیمارستان را که منجر به زخمی شدن تعدادی از بیماران و پرستاران شده محکوم کرد و از مردم مشهد خواست تا اتحاد خود را حفظ کنند. با شروع تحصن در بیمارستان طولی نکشید که خبر آن در همه جا پیچید و گروه زیادی از مردم به آن پیوستند و متحصنین بیانیه های پی در پی صادر می کردند و ۱۳ روز نیز این تحصن ادامه داشت. به دنبال تشدید تحصن علما، دولت هیئتی را برای بررسی اوضاع به مشهد اعزام کرد. نویسنده کتاب «انقلاب اسلامی مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی»، از کشته شدن دو کودک و مجروح شدن ۱۸ نفر در این حادثه یاد کرده است.[۷] هر چند در اسناد باقی مانده از این حادثه، ۱۶ نفر مجروح ذکر شده است[۸] که از بین آن ها محمد منفرد در ۲۵ آذرماه به علت جراحت های وارد شده به شهادت می رسد. بیمارستان امام رضا(ع) فعلی از بامداد تا شامگاه ۲۳ آذر ماه تبدیل به یکی از کانون های اصلی مبارزه علیه حکومت پهلوی شد، تهاجم به بیمارستان و تحصن موجب شد اخبار و گزارش های این حادثه پررنگ تر منعکس شود و نیروهای امنیتی آخرین حربه خود را با به خاک و خون کشیدن انقلابیون مشهد در دی ماه به اوج برسانند.

منابع

[۱] تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی. به کوشش غلامرضا جلالی؛ با همکاری حسین طاهری وحدتی، عباسعلی قلی‌زاده. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ۱۳۷۷، ص ۳۰۷
[۲] یاران امام به روایت اسناد ساواک، آیت ا... عباس واعظ طبسی. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. ۱۳۹۴، ۵۷۸
[۳] تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۳۱۰
[۴] عکاس لشکر خراسان: زندگینامه و خاطرات ستوان یکم محمد محتشمی‌پور. به کوشش رامین رامین‌نژاد. مشهد: کتاب کامیاب، ۱۳۹۷. ص ۶۰
[۵] انقلاب مشهد به روایت یک روزنامه نگار بومی. سید مهدی سید قطبی. ویژه نامه نقش مشهد در انقلاب اسلامی. شماره ۴ بهمن ۱۳۹۲، ص ۱۴۷
[۶] شرح اسم: زندگی نامه آیت ا... سید علی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ ش - ۱۳۱۸ ش). هدایت ا... بهبودی. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی. ۱۳۹۱، ص ۶۳۱
[۷] انقلاب اسلامی مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی به انضمام: مقدمه و متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. رمضانعلی شاکری. مشهد: امام. ۱۳۵۹، ص ۱۰۹
[۸] مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۹۱۲۴۳/۱

دیالوگ

ارین گروول: «بهانه نمی خواهم. می دانم با چه مخالف هستی. همه ما با چیزی مخالفیم. پس بهتر است تصمیم بگیری، زیرا تا زمانی که می توانی مستقیم به چشمان من نگاه کنی و بگویی این همه چیزی است که لیاقت آن را داری اجازه نمی دهم شکست بخوری. حتی اگر به معنای آن باشد که هر شب به خانه تو بیایم تا کار را تمام کنی. می دانم تو کیستی. آیا مرا درک می کنی؟ می توانم تو را ببینم و تو شکست نمی خوری.»

کارگردان: ریچارد لاگراونیس - نویسندگان آزادی (Freedom Writers)

یادداشت

جبار کوچکی نژاد

نایب رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی

نظام آموزش عالی؛ از دغدغه صندلی های خالی تا نگرانی برای کیفیت

ساختار آموزش عالی هر کشوری، تاثیری بزرگ بر توسعه و استقلال نظام اجتماعی آن کشور دارد اما در ایران به رغم تاکیدات بسیار اسناد بالادستی در خصوص ضرورت توجه به توسعه کیفی آموزش عالی، متاسفانه توسعه این بخش معطوف به بعد کمی شده است. در حقیقت عقب ماندگی تاریخی توسعه کمی آموزش عالی در کشور و رشد سریع جمعیت باعث افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاه ها شد و به رشد در این بخش انجامید. البته عوامل دیگری از جمله زمینه های فرهنگی جامعه و ضعف بازار کار برای دارندگان مدرک دیپلم نیز نقش مهمی در افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی ایفا کرده است. بنابراین آن چه که مسلم است؛ توسعه کمی آموزش عالی در کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک ضرورت اجتناب ناپذیر بوده و باید اذعان کرد که دستاوردهای بزرگ علمی و فنی که امروز شاهد آن هستیم مدیون سرمایه گذاری بر توسعه منابع انسانی است اما به رغم تمامی این موفقیت ها نباید از نظر دور داشت که سیاست های توسعه کمی، دیگر ارکان نظام آموزش عالی را تحت الشعاع خود قرار داده و این حوزه را با چالش هایی مواجه کرده که البته می توان با برنامه ریزی صحیح بر این مشکلات نیز غلبه کرد.
در واقع کاهش اعتبارات بخش دولتی آموزش عالی، ورود گسترده بخش خصوصی به این عرصه و استقبال و عطش فراوان آحاد جامعه برای کسب مدارک دانشگاهی، موسسه های آموزش عالی را بر آن داشته است تا با نگاهی نوین و در قالب دانشجویان شهریه پرداز پذیرش دانشجو را دنبال کنند و بدین نحو نه تنها کسب درآمد کنند، بلکه بتوانند برنامه های توسعه ای خود را نیز تحقق ببخشند. بنابراین جذب دانشجو به معنای کسب درآمدی است که در گسترش فعالیت های آموزشی نقش ارزنده ای دارد. با این تفاسیر باید به صراحت بیان کرد علم و سوداگری کمتر در یک اقلیم می گنجد. البته ناگفته نماند استانداردهای آموزش عالی در دانشگاه های دولتی نیز آن طور که باید و شاید به خوبی رعایت نمی شود و با بالاتر رفتن سطح تحصیلات، میزان شهریه ها نیز افزایش یافته و این مانعی برای ادامه تحصیل در سطوح بالاتر برای خانواده های کم درآمد است.
موضوع اشتغال دانش آموختگان دانشگاه چالش دیگر فراروی آموزش عالی است و بر سیاست های ارتقای کیفیت تاثیر مستقیم دارد. ظرفیت های پایین اقتصاد کشور برای ایجاد شغل و ضعف سیاست های حمایتی از کارآفرینی و همچنین ضعف انطباق رشته های دانشگاهی با نیازهای صنعت و ضعف آموزش ها و مهارت های کارآفرینی دانشجویان، موجب بروز مشکلاتی در اشتغال دانش آموختگان شده است. روشن است که جایگزینی این عوامل با آموزش حافظه محور تا چه اندازه می تواند به افزایش کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاه ها کمک کند. موارد متعدد دیگری از جمله گسترش پارک ها و مراکز رشد، طراحی و پیاده سازی نظام ملی نوآوری، اصلاح نظام آموزش کشور و ارزیابی مستمر دانشگاه های دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه ها با همکاری انجمن های علمی مورد تاکید قرار گرفته است که همگی نقش بسزایی در ارتقای کیفیت آموزش عالی ایفا می کند.
در مجموع باید گفت، در گذشته رسالت دانشگاه، پاسداری از علم بود تا بدین طریق دانشجویان خود را برای عملکرد و ایفای نقشی بهتر در جامعه، به عنوان شهروندانی کارآمد، آموزش بدهند اما در شرایط فعلی به دلیل ارزشمند شدن مدارج دانشگاهی برای قاطبه شهروندان، توجه بسیاری به گسترش دانشگاه ها در کشور شده است به طوری که دانشگاه های زیادی، با عناوین «دانشگاه های تحقیقاتی، کاربردی، آزاد، بین الملل و...» تاسیس شده و بعضا در مسیر جذب دانشجوی بیشتر از کیفیت در آموزش فاصله گرفته اند.
رویکرد فعلی بسیاری از واحدهای آموزشی دولتی و غیردولتی، تامین هزینه های تداوم فعالیتشان و نگهداری آن هاست. متاسفانه سطح شهریه ها در کشور ما حتی در دانشگاه های دولتی بالاست و این هزینه ها دایم در حال تغییر جهت از دولت به سمت خانواده هاست. به طوری که خانواده ها موظف به پرداخت شهریه های گزاف هستند و دانشجویان خانواده های کم درآمد با مشکلات زیادی مواجه می شوند. از سوی دیگر باید نگران آن باشیم که خروجی این دانشگاه ها، از نظر علمی در چه سطحی هستند؟ مدیران آینده، صاحبان کسب و کارها، کارآفرینان، صاحبان مشاغل خدماتی و تولیدی و... قطعا در دل همین مراکز علمی تربیت می شوند و باید از مهارت های لازم برای نقش های آینده خود برخوردار باشند. به رغم این که وزارت علوم قول مساعد به ادغام موسسات آموزش عالی غیردولتی داده است اما چالش های بسیاری در این حوزه وجود دارد که باید با عزمی راسخ بر این مسئله فائق آید. علاوه بر این دولت برای رسیدگی به وضعیت مراکز آموزش عالی در کشور می تواند گروه هایی را با نمایندگانی حرفه ای از سازمان ها و انجمن های مختلف و موسسات دولتی و خصوصی برای بحث و بررسی و اصلاح برنامه آموزشی سازمان دهی کند تا بدین طریق برای برنامه های آموزشی، استاندارد هایی را ایجاد کنند که در همه موسسه ها (خصوصی یا دولتی) یکسان باشد و همگی ملزم به رعایت آن شوند.

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹
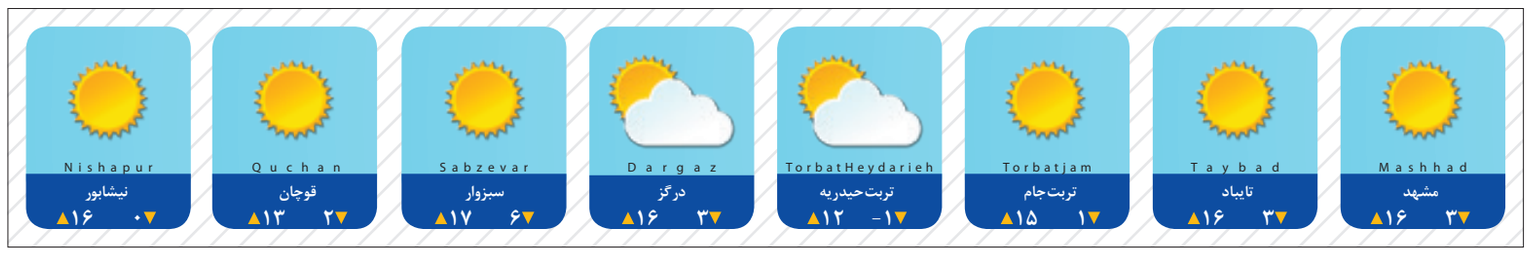
چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱